

International Responsibility of Bahrain and Saudi Arabia for Human Rights Violations in Bahrain

(Type of Paper: Research Article)

Mohamad Setayeshpur^{1*}, Mahdi Keykhosravi²

Abstract

Violations of the human rights of the Shia community in Bahrain, which makes up the majority of Bahrain's population, have been systematic and widespread for many years. These violations have been committed not only by the Al Khalifa regime as the government of Bahrain, but also by the Saudi regime as a neighbor of Bahrain. Investigating human rights violations of the Shia in Bahrain is very important from the perspective of the law of state responsibility as the basic rights of the Shia including the right to life and personal security and the right to citizenship, have been violated. Indeed, since heartbreaking and tragic acts have been committed in Bahrain, mechanisms under international law are necessary to hold the Bahraini and Saudi regimes accountable. The present paper will scrutinize the law of state responsibility in terms of establishing the international responsibility of the said states. It will be argued that the international responsibility of one state, does not preclude the international responsibility of another one. Each one could be held responsible for its internationally wrongful act and in case of overlapping, joint responsibility will occur.

Keywords

international law of human rights, internationally wrongful act, international responsibility, secondary obligation.

1. Assistant Prof., Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author).

Email: mohamadsetayeshpur@yahoo.com

2. Ph.D. Student in International Law, University of Qom, Qom, Iran.

Received: June 18, 2021- Accepted: October 9, 2021



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

مسئولیت بین‌المللی بحرین و عربستان سعودی ناشی از نقض

حقوق بشر در بحرین

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

محمد ستایش پور^{۱*}، مهدی کیخسروی^۲

«ولو فاتحان کشورها، لوکوموتیورانان تاریخ دانسته شوند، چه بسا فاتحان اندیشه‌ها سوزن‌بانانی هستند که به دور از چشم مسافران، مسیر سفر را مشخص می‌کنند.»^۳

چکیده

نقض حقوق بشر شیعیان در بحرین که به لحاظ عددی، اکثریت جمعیت بحرین را تشکیل می‌دهند، سال‌هاست که به‌طور نظام‌مند و گسترده، در حال ارتکاب است. این اعمال نه تنها از سوی رژیم آل خلیفه به‌عنوان دولت مستقر در بحرین ارتکاب می‌یابد، بلکه از سوی رژیم آل سعود به‌عنوان کشور همدست و همسایه بحرین صورت می‌پذیرد. بررسی نقض حقوق بشر شیعیان در بحرین که حتی حقوق بنیادین آنها از جمله حق حیات و امنیت فردی و حق تابعیت را نشانه رفته است، از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی بسیار حائز اهمیت می‌نماید، زیرا هرچند اعمال ارتكابی، جانکاه و غم‌انگیز باشد، ولی باید به لحاظ موازین بین‌المللی سازوکاری را یافت تا بتوان مسئولیت بین‌المللی آنها را احراز کرد. پژوهش حاضر با بررسی حقوق مسئولیت بین‌المللی و انطباق ماقع با ضوابط موجود، به احراز مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ذی‌مدخل پرداخته است. در این باره، احراز مسئولیت بین‌المللی یکی، مانع از مسئول دانستن دیگری نیست. هر کدام، مسئول بین‌المللی ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی خود قلمداد می‌شود و در مواردی که همپوشانی داشته باشد، مسئولیت تضامنی می‌تواند مطرح شود.

کلیدواژگان

تعهد ثانویه، عمل متخلفانه بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی، نظام بین‌المللی حقوق بشر.

۱. استادیار حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Email: mohamadsetayeshpur@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه قم، قم، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

3. "If conquerors be regarded as the engine driver of history, the conquerors of thought are perhaps the points men who, less conspicuous to the travellers's eye, determine the direction of the journey". Arthur Kolesterol, Sleep Walker: A History of Man's Changing Vision of the Universe, Macmillan Company, 1959, p. 41.

مقدمه

رژیم آل خلیفه در بحرین در مقابله با اعتراضات گسترده مردمی و سرکوب نهضت اسلامی مردم، با همراهی عربستان سعودی، دیگر عضو شورای همکاری خلیج فارس، در صدد سرکوب هرگونه اعتراض برآمده‌اند (مهکویی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۸). از سال ۲۰۱۱ میلادی، پیروان اهل بیت (ع) در بحرین که به‌رغم آنکه بالغ بر ۷۰ درصد جمعیت بحرین را به خود اختصاص داده‌اند، ولی سال‌ها از سوی حکومت مرکزی در تبعیض بوده‌اند، کوشیده‌اند تا مانع از نقض حقوق خود شوند و در صدد احقاق حقوق خویش برآمده‌اند (دیلمی معزی و شجاع، ۱۳۸۷: ۹۹). دامنه اقدامات صورت گرفته به‌منظور کنترل و مهار این حرکت، بسیار گسترده است و شامل اقدامات تقنینی، قضایی و اجرایی می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۸: ۹۴۲).

وضعیت پیش‌گفته، از زاویه‌های مختلف حقوقی، از جمله و به‌ویژه حقوق بین‌الملل، قابل بررسی است و آثار شایسته توجهی در این حوزه به چاپ رسیده است، ولی در هیچ‌یک از آنها به‌طور جداگانه به مقوله مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به‌عنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل که متضمن تعهدات ثانویه است، تمرکز نشده است. از این‌رو نوشتار حاضر، در صدد برآمده است تا به مسئله تحقق مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمالی که این دو دولت^۱ در بحرین و علیه پیروان اهل بیت (ع) انجام داده‌اند، بپردازد. در این باره درخور امعان نظر است که دو مقوله مسئولیت بین‌المللی و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، به‌رغم ارتباط وثیقی که با یکدیگر دارند، اساساً دو زمینه جداگانه‌اند که هریک، گزاره‌های مخصوص به خود را دارند و مسئولیت داشتن، لزوماً به‌مثابه پیگیری سازوکار حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلاف بین‌المللی نیست. چه‌بسا، کشوری به موجب حقوق بین‌الملل، مسئولیت داشته باشد، ولی هرگز سازوکار حل‌وفصل پی گرفته نشود. هم، در خصوص گستره موضوعی جستار حاضر، شایسته توجه است که حقوق مسئولیت بین‌المللی از سه بخش اصلی تحقق (ایجاد)، محتوا (پیامدها) و اجرای (اعمال) مسئولیت تشکیل می‌شود. بخش‌های سه‌گانه مسئولیت، رابطه تقدم و تأخر دارند، به این معنا که مادامی که مسئولیت محقق نشده باشد، به حکم منطق، سخن گفتن از محتوا و اجرای مسئولیت، محلی از اعراب نمی‌یابد. از این‌رو راقمان سطور پیش رو بر تحقق (ایجاد) مسئولیت بین‌المللی، به‌عنوان سنگ‌بنای بنیادین مسئولیت، تمرکز کرده‌اند.

۱. شایسته توجه است که منظور از دولت، در اینجا دولت-کشور است و نه دولت-مجریه. دولت، در مفهوم موسع کلمه مطمح نظر است. دولت-کشور، اعم از دولت-مجریه است و شامل تمام ارگان‌های اجرایی، تقنینی، و قضایی می‌شود. دولت در حقوق بین‌الملل عمومی، هویتی است که سرزمین، جمعیت و حاکمیت دارد؛ پس هر کدام از اینها نباشد، دولت وجود ندارد. تنها سندی که عناصر تشکیل‌دهنده دولت را تعریف می‌کند، کنوانسیون ۱۹۳۳ حقوق و تکالیف دولت‌هاست که عناصر چهارگانه جمعیت دائمی، سرزمین معین، حکومت و توانایی برقراری روابط با سایر دولت‌ها را مطرح کرده است (Montevideo Convention on Rights and Duties of States, 1933: Art. 1).

جامع‌ترین سند در خصوص حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، مجموعه موادی است که کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد به‌عنوان نهاد علمی تدوین و توسعه‌ی تدریجی حقوق بین‌الملل، در سال ۲۰۰۱ میلادی ارائه کرده و در واقع، سند پیش‌گفته، حاصل بیش از پنجاه سال مطالعه‌ی گزارشگران ویژه‌ی کمیسیون حقوق بین‌الملل است و به‌رغم آنکه به توصیه‌ی کمیسیون به‌سبب واهمه از اینکه دستخوش تغییرات سیاسی واقع شود، هنوز به کنوانسیون تبدیل نشده، قسمت عمده‌ی این مجموعه مواد، جامعه‌ی حقوق بین‌الملل عرفی به‌خوبی، پوشیده است. با اینکه مواد مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، تا به امروز، در حد طرح باقی مانده و به شکل معاهده درنیامده است، در عمل بسیاری از تابعان و بازیگران جامعه‌ی بین‌المللی و محاکم بین‌المللی به آنها استناد می‌کنند که گواهی بر اهمیت آورده‌ی کمیسیون حقوق بین‌الملل است. از این‌روست که به تبعیت از دیگر کتاب‌ها و مقالات حقوقی، در سطور پیش رو نیز مضاف بر آموزه‌های حقوقدانان و رویه، به‌طور مستقیم به مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه‌ی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی پرداخته شده است. پژوهش پیش رو، مبتنی بر گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای است که از راه مطالعه‌ی اسناد، کتاب‌ها، مقالات و تارنماهای تحلیلی و خبری معتبر به‌دست آمده است.

نقض تعهدات بنیادین برخاسته از نظام بین‌المللی حقوق بشر

به لحاظ سیاسی، ساختار حاکم در بحرین، پادشاهی مشروطه دانسته می‌شود (Constitution of Bahrain, 2002: art. 1(b)).^۱ اگرچه به موجب قانون اساسی بحرین، به ظاهر، قوای سه‌گانه‌ی مقننه، قضاییه و مجریه، دارای استقلال خوانده شده‌اند (Constitution of Bahrain, 2002, art. 32)، در واقع، این قوا زیر نظر مستقیم پادشاه بحرین عمل می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۲۸)، که خود، متأثر از پادشاهی بودن حکومت در این کشور است (Bahrain Independent Commission of Inquiry, no. 48: 15). با توجه به گزارش‌های شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و نیز سازمان‌های مردم‌نهاد، وضعیت حقوق بشر در بحرین، مایه‌ی اندوه است. شورای حقوق بشر، در آخرین گزارش دوره‌ای جهانی^۲ (از این پس، گزارش) خود که در مه ۲۰۱۷ ارائه کرده، به مسئله‌ی تعهدات برخاسته از نظام بین‌المللی حقوق بشر^۳ در بحرین پرداخته و اعلام

۱. برای ملاحظه‌ی ترجمه‌ی انگلیسی قانون اساسی بحرین به تارنمای سازمان بین‌المللی کار به نشانی زیر مراجعه کنید.
https://www.ilo.org/dyn/natlex/natlex4.detail?p_lang=en&p_isn=68652

برای ملاحظه‌ی ترجمه‌ی پارسی قانون اساسی بحرین رک: پورمسجدیان، ۱۳۹۱.

2. Universal Periodic Review

3. International Law of Human Rights

به لحاظ واژگانی، در مورد سه واژه حقوق بین‌الملل بشر، حقوق بشر بین‌المللی و نظام بین‌المللی حقوق بشر، شایسته‌ی توجه است که هر سه، معادل یکدیگرند. عنوان نظام بین‌المللی حقوق بشر، بهترین عنوانی است که می

کرده است که بحرین به توصیه‌هایی که در گزارش سال ۲۰۱۲ به آن شده، عمل نکرده است (OHCHR Universal Periodic Review, 2012, paras. 2-4).^۱

این در وضعیتی است که بحرین، تعهدات مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳، کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های موحش، غیرانسانی یا تحقیرکننده^۴، کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی علیه زنان^۵ و کنوانسیون حقوق کودک^۶ را پذیرفته است. با اینکه مواد مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، در حد طرح باقی مانده و به شکل معاهده درنیامده است، در عمل بسیاری از تابعان و بازیگران جامعه بین‌المللی و محاکم بین‌المللی به آنها استناد می‌کنند که گواه بر اهمیت این دو آورده کمیسیون حقوق بین‌الملل است. از این روست که به تبعیت از دیگر انگاره‌های حقوقی، در سطور پیش رو نیز مضاف بر رویه قضایی و دولتی، مستقیماً به مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی استناد شده است.^۷

گزارش‌های شورای حقوق بشر، نقض‌های متعدد حقوق بشر در این کشور را مطرح کرده‌اند. نقض حق تعیین سرنوشت، نقض حق آزادی بیان، جلوگیری از حق انجام مراسم و مناسک

شود در فارسی به‌کار برد. ترجمه تحت‌اللفظی "International Law of Human Rights"، «حقوق بین‌المللی حقوق بشر» می‌شود. در زمینه حقوق بشر یک Law به‌کار رفته شده است و یک Rights. در واقع در این زمینه در فارسی با مشکل مشترک لفظی مواجهیم. هر دو به «حقوق» برگردانده شده‌اند، حال آنکه با هم فرق دارند. البته مشترک لفظی به این معناست که واژه واحدی استفاده می‌شود، ولی هر کدام معنای متفاوتی دارند. Law به معنی قواعد، مقررات و هنجارها است؛ حال آنکه Rights یعنی حق‌ها. چون که در عنوان از دو واژه واحد استفاده نشود و برای اینکه از اشتراک لفظی دوری شود و هم اینکه از تکرار یک واژه در یک عبارت کوتاه که از فصاحت آن می‌کاهد، اجتناب گردد، از واژه نظام استفاده شده است؛ چه اینکه، نظام، خود به قرینه معنوی بر حقوق دلالت دارد. بنابراین عبارت «نظام بین‌المللی حقوق بشر» صحیح‌تر دانسته می‌شود. وصف بین‌المللی، متعلق به نظام است. قواعدی که موضوع بحث است، قواعد بین‌المللی است؛ یعنی همان‌طور که حقوق بین‌الملل معاهدات، درصدد تبیین آن دسته از قواعد حقوقی بین‌المللی است که به معاهدات می‌پردازند، نظام بین‌المللی حقوق بشر درصدد تبیین قواعد و مقررات بین‌المللی است که موضوع آن، حق‌های بشری است.

1. See <https://www.ohchr.org/EN/HRBodies/UPR/Pages/Highlights21May2012am.aspx>
2. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.
3. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966.
4. Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 1984.
5. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, 1979.
6. Convention of the Rights of the Child, 1989.

۷. این مجموعه مواد و شرح و تفسیر آن، به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تسلیم شد تا به‌عنوان ضمیمه یکی از قطعنامه‌های مجمع عمومی انتشار یابد و رفته‌رفته، در آینده، شکل کنوانسیون بین‌المللی به خود بگیرد و به تصویب دولت‌ها برسد که البته تا زمان نگارش جستار پیش رو این مهم تحقق نیافته است.

مذهبی، بازداشت خودسرانه، دادرسی ناعادلانه، شکنجه، سوء رفتار با فعالان سیاسی، نقض حریم خصوصی از طریق ورود غیرقانونی به منازل شیعیان و ناپدیدسازی اجباری از آن جمله و البته مهم‌ترین آنانند (Annual Report & Oral Update to the 34th Sess. of the HRC, 2017: para. 33; A/HRC/104/1, 2014: para. 13; A/HRC/4/23/Add/2, 2007: p. 25, paras. 89-94). از این رو از گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌توان دانست که وضعیت حقوق بشر در بحرین، اسفناک است (1: CIVICUS, 2017).

در این فجایع، فجیع‌تر دانستن یکی نسبت به دیگری، غیرانسانی و غیرعقلایی می‌نماید، اما بحران بحرین از یک منظر بسیار اسفناک‌تر است و آن، اینکه از سوی دولت مستقر در بحرین و حتی به صورت علنی با همکاری بین‌المللی ارتکاب می‌یابد. اعمال ارتكابی نسبت به مردم بحرین به گونه‌ای است که نقض حقوق مختلف این شهروندان از جمله حق حیات و امنیت فردی آنان قلمداد می‌شود. علاوه بر حکومت آل خلیفه، حکومت آل سعود از سال ۲۰۱۱ میلادی، نقشی بی‌بدیل در ارتکاب این اعمال متخلفانه بین‌المللی داشته است.

به موجب گزارش‌هایی که از سوی سازمان آمریکایی‌ها برای دموکراسی و حقوق بشر در بحرین و نیز سازمان مردم‌نهاد مرکز حقوق بشر در بحرین تهیه شده است، آزادی‌های ذیل از مردم این کشور نقض شده‌اند؛ آزادی بیان، آزادی انجام مراسم و مناسک مذهبی، آزادی دفاع از حقوق بشر، بازداشت‌های خودسرانه، دادرسی ناعادلانه، شکنجه، سوء رفتار با فعالان سیاسی، نقض حریم خصوصی از طریق ورود غیرقانونی به منازل شیعیان و ناپدیدسازی اجباری. مجلس نمایندگان و کمیته حقوق بشر پارلمان انگلیس بر نقض آزادی‌ها در بحرین اشعار داشته‌اند (1: UK Parliament, 2021).

انتساب عمل به بحرین

به موجب ماده ۱ از مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت عمل متخلفانه بین‌المللی، «عمل متخلفانه بین‌المللی هر دولت، مسئولیت بین‌المللی همان دولت را به دنبال دارد»؛ ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی دولت، مستلزم آن است که عمل مربوطه به آن کشور انتساب^۳ یافته باشد. اعمال ارتكابی

1. Available at <https://www.civicus.org/index.php/media-resources/news/united-nations/geneva/2930-addressing-intensifying-human-rights-violations-in-bahrain-at-the-human-rights-council>

2. Available at <https://edm.parliament.uk/early-day-motion/58533>

3. Imputation

۴. در خصوص مفهوم واژگانی «Imputation»، گفتنی است که هر دو واژه انگلیسی «Attribution» و «Imputation» در ادبیات پارسی حقوق بین‌الملل به «انتساب» برگردان شده‌اند (ابراهیم گل، ۱۳۹۲: ۳۵)؛ در رویه بین‌المللی و تصمیمات محاکم بین‌المللی، هر دو واژه یادشده به کار رفته‌اند (ILC Articles, 2001: Art. 2).

نسبت به مردم بحرین بی‌شک عمل متخلفانه بین‌المللی آن دولت قلمداد می‌شود و از این‌رو، بلافاصله و حتی بدون هرگونه ادعایی، مسئولیت بین‌المللی بحرین را در پی دارد. نیز در مواردی که این اعمال از سوی نیروهای عربستانی که در اختیار بحرین قرار گرفته‌اند صورت گرفته است، براساس ماده ۱۶ طرح ۲۰۰۱ اعمال آنان منتسب به آل خلیفه بوده و این دولت مسئول است (ILC Draft Articles, 2001: 64). مطابق با آنچه در ماده ۱۷ از مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد منعکس شده است، منظور از به‌کارگیری لفظ «کنترل» این بوده است که به وضعیت‌های تسلط و برتری یک یا چند دولت بر ارتکاب رفتار متخلفانه از سوی دولت یا دولت‌های دیگر اشاره داشته باشد. آخرین گزارشگر کمیسیون حقوق بین‌الملل در تهیه طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بر این باور است که «کنترل» به معنای «تسلط بر ارتکاب رفتار متخلفانه» دانسته می‌شود. ماده یادشده، صرفاً در خصوص مواردی است که دولت مسلط، هدایت و کنترل عملی بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت وابسته را اعمال می‌کند و در واقع استفاده از واژه «کنترل» حکایت از تسلط بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی دارد و صرف نظارت، اثرگذاری و نقش داشتن به‌منزله «کنترل» به آن‌گونه که در این ماده ذکر شده است، قلمداد نمی‌شود. همچنین انگیزه دادن، تشویق کردن، تحریک و نظیر آن در دایره شمول این ماده قلمداد نمی‌شود. «هدایت» باید واقعی^۲ و عملیاتی^۳ باشد (ILC Draft Articles, 2001: 68). صرف کنترل کلی کفایت نمی‌کند و در واقع، هدایت باید فعلیت یافته باشد.

در خصوص اقدامات بحرین در نقض حقوق مردم خود، باید گفت که آن دسته از اقداماتی که نیروهای آل خلیفه بالمباشره انجام می‌دهند، بی‌شک مسئولیت مستقل بحرین را در پی دارد. نقض‌هایی که از سوی آن دسته از نیروهای آل سعود که در اختیار آل خلیفه قرار گرفته‌اند، ارتکاب یابد، به موجب ماده ۶ قابل انتساب به آل خلیفه است و بدون تردید بلافاصله موجب

12) para. با این حال، بیشتر از واژه Attribution استفاده شده است. به لحاظ عبارت‌پردازی دقیق واژه «انتساب»، بدان گونه که به‌عنوان یکی از عناصر دوگانه مسئولیت بین‌المللی در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد آمده است، کاربست Attribution بر Imputation رجحان دارد؛ چراکه به تعبیر کمیسیون حقوق بین‌الملل «واژه نخست از ورود در این بحث که فرایند قانونی مرتبط کردن چنین رفتاری با دولت، یک فرض است یا اینکه رفتار مورد بحث را «واقعا» شخص دیگری مرتکب شده است، اجتناب می‌کند» (ILC Articles with commentaries, 2001: Art. 2)؛ برگرفته از ترجمه ابراهیم گل، ۱۳۹۲: ۳۵.

۱. ماده ۶ از طرح ۲۰۰۱ مقرر می‌دارد: «رفتار ارگان دولتی که در اختیار دولت دیگر قرار می‌گیرد به موجب حقوق بین‌الملل فعل دولت اخیر تلقی می‌شود اگر آن ارگان در اعمال عناصری از اقتدارات حکومتی دولتی که در اختیار او قرار گرفته است اقدام کند» (ابراهیم گل، ۱۳۹۲: ۳۳۶).

2. Actual
3. Operative

مسئولیت بین‌المللی حکومت بحرین می‌شود. چون این نیروها تحت اختیار بحرین هستند، بنابراین مسئولیت اشتقاقی ناشی از هدایت و کنترل مندرج در ماده ۱۷ قابل اعمال نیست. به آن‌گونه که کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در مجموعه مواد ۲۰۰۱ و همین‌طور در مجموعه مواد ۲۰۱۱ در زمینه مسئولیت بین‌المللی ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی تنظیم و ترسیم کرده که خود، برگرفته از رویه جامعه بین‌المللی است، حقوق مسئولیت بین‌المللی از سه قسمت کلان تحقق مسئولیت، محتوای مسئولیت و اجرای مسئولیت بین‌المللی تشکیل می‌شود. با تمرکز بر گزاره‌های حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی، به‌خوبی درمی‌یابیم که مسئولیت بین‌المللی، ایجاد شده و محقق است.

انتساب عمل به عربستان سعودی

مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، همسو با رویه جامعه بین‌المللی، افزون‌بر مسئولیت مستقل، سخن از مسئولیت اشتقاقی به میان آورده است. مسئولیت مستقل به معنای آن است که همان دولت مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی دارد. لیکن این مسئله، مانع از مسئول دانستن کشور دیگر نیست (Nollkaemper, 2011: 199) و این همان گزاره‌ای است که مسئولیت اشتقاقی خوانده می‌شود. مجموعه مواد ۲۰۰۱ تصریح داشته است که در سه وضعیت کمک یا مساعدت^۱، هدایت و کنترل^۲ و اجبار^۳، مسئولیت اشتقاقی مطرح می‌شود. کمک یا مساعدت، پرمصادق‌ترین وضعیت در مسئولیت اشتقاقی به‌شمار می‌رود (عزیزی و کریمی، ۱۳۹۵: ۱۱۱؛ Aust, 2011: 192 - 193).^۴

کمک یا مساعدت در ماده ۱۶ مجموعه مواد ۲۰۰۱ مطرح شده است (ILC Draft Articles, 2001: Art. 16). به موجب ماده مذکور، کمک یا مساعدت کشور به کشور دیگر در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، موجب مسئولیت بین‌المللی کشور کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده نیز می‌شود (Talmon, 2008: 218; D'Asperamont, 2007: 98). به‌منظور آنکه بتوان کشور را بابت کمک یا مساعدت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی مسئول دانست، لازم است سه شرط وجود داشته باشد؛ اول، شرط آگاهی کشور کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده از اوضاع و احوال آن عمل متخلفانه بین‌المللی است؛ دوم، این است که کمک یا مساعدت مطروحه باید تحقق آن عمل متخلفانه را تسهیل کرده باشد؛ سوم اینکه چنانچه کشور کمک‌کننده یا

1. Aid or Assistance
2. Direction and Control
3. Coercion

۴. به‌منظور مطالعه مفهوم «کمک یا مساعدت» در گزارش‌های اولیه کمیسیون حقوق بین‌الملل، ر.ک: حدادی و ستایش‌پور، ۱۳۹۶: ۷۸۱ و ۷۸۲.

مساعدت‌دهنده، مباشر عمل مطروحه بود عمل متخلفانه آن کشور محسوب می‌شد (ILC Draft Articles, 2001: 66). این شرط بیانگر آن است که کشور صرفاً متعهد به تعهدات خود است نه تعهدات دولت مباشر.

دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان دادگاهی که در گستره جهانی از صلاحیت بین‌المللی برای رسیدگی به اختلافات حقوقی کشورها برخوردار است، بر اهمیت گزاره مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت، به آن نحو که در ماده ۱۶ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد منعکس شده، اشاره داشته است. (ICJ Rep., 2007: pp. 217 - 218, paras. 420 - 421) (عزیزی و کریمی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). کمک یا مساعدت می‌تواند از رهگذر ارتکاب اعمال گونه‌گون صورت پذیرد (Crawford, 2013: 402). در واقع، این به آن معناست که کمک یا مساعدت، مصادیق حصری ندارد و باید به فراخور آن وضعیت تشخیص داد که آن عمل، اعم از آنکه حقوقی یا سیاسی باشد، کمک یا مساعدت قلمداد می‌شود یا خیر. در این خصوص، ملاک، آن است که عمل مربوطه ارتکاب عمل مباشر را تسهیل کرده است یا خیر. اگر آن عمل، ارتکاب عمل مباشر را تسهیل کرده باشد، به‌شرط وجود سایر شرایط، می‌تواند کمک یا مساعدت قلمداد شود؛ چه اینکه، کمک یا مساعدت جنبه حمایت‌کنندگی دارد.

با توجه به اینکه رژیم آل خلیفه، افزون بر اینکه خود، به‌طور مستقل مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر شده، کشور عربستان در آن نقش داشته، مسئولیت بین‌المللی کشور عربستان نیز مطرح شده است. چه اینکه، بحرین، از همان ابتدای سرکوب حقوق پیروان اهل بیت (ع) در فوریه ۲۰۱۱، دست‌نیاز به‌سوی برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، از جمله و به‌ویژه، کشور عربستان دراز کرد (BBC Blogpost, 2011) و در مارس همان سال، عربستان دست در دست بحرین، رژیم آل خلیفه را در این امر یاری رساند (ر.ک: محمدی، ۱۳۹۲: ۱۳۱ و ۱۳۲). رژیم آل سعود، از طرق مختلف، از جمله نیروی انسانی و تجهیزات نظامی و خودروهای زرهی، در تشدید بحران بحرین نقش داشته است (Henderson, 2011: paras. 10 - 11). متعاقب ناتوانی رژیم مستقر در بحرین، در برابر اعتراضات مردمی که در سال ۲۰۱۱ میلادی، شدت گرفت، نیروهای نظامی آل سعود در راستای سرکوب اعتراضات مردم بحرین، به کمک نیروهای نظامی بحرین شتافتند. آمار دقیقی از موارد نقض حقوق بشر، از جمله نقض حق حیات در دست نیست، اما خبرها حکایت از نقض حق حیات صدها تن و مجروح شدن هزاران نفر از مردم بحرین دارد (باشگاه خبرنگاران جوان،

1. Available at http://www.bbc.co.uk/persian/world/2011/11/111123_an_bahrain_unrest.shtml

۲. در آوردن مستندات این قسمت، تلاش راقمان سطور حاضر بر آن بوده است تا به منابع خارجی که معارض هم هستند، ولی از شدت پداخت، به‌ناچار، وقایع صورت‌گرفته را بعضاً بیان کرده‌اند، استناد شود تا گمان نرود که این استنادات، ساخته احساسات ایرانی است.

۱۳۹۲: بندهای ۵ و ۶).^۱ مداخله نظامی دولت عربستان سعودی در بحرین، موجب وخامت اوضاع در زمینه نقض حقوق بشر در بحرین شده است (قربان‌نیا، ۱۳۹۰: سخنرانی)^۲ (فرجی، ۱۳۹۶: ۲۹؛ قاسمی، ۱۳۹۸: ۹۵۸)؛ امری که به استمرار بحران در بحرین انجامیده است (H.R.W. Internet Rep., 2021 & Amnesty International, Internet Rep. 2020).^۳ نقض‌های ارتكابی آن دسته از نیروهای آل سعود که در اختیار آل خلیفه قرار نگرفته‌اند، کمک یا مساعدت آل سعود در نقض حقوق بشر در بحرین دانسته می‌شود و مسئولیت بین‌المللی آل سعود را به‌دنبال دارد. به لحاظ مبانی حقوق مسئولیت بین‌المللی، این مسئولیت، فرع و استثنایی بر مسئولیت مستقل بحرین است. در واقع، مسئولیت آل سعود برخاسته از مسئولیت اشتقاقی مندرج در فصل چهارم سند ۲۰۰۱ مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌هاست.

توازی مسئولیت بین‌المللی دول بحرین و عربستان سعودی

بحرین، با توجه به مواد ۱ و ۶ از مجموعه مواد ۲۰۰۱ و عربستان با لحاظ ماده ۱۶ از این مجموعه مواد، مسئول دانسته می‌شوند (ILC Draft Articles, 2001: Arts 1 & 6). مسئولیت مستقل یا آنچه از آن به استقلال در مسئولیت نیز یاد شده است، اساس تحقق مسئولیت بین‌المللی بابت عمل متخلفانه بین‌المللی آن‌گونه که در مجموعه مواد ۲۰۰۱ منعکس شده است، دانسته می‌شود. با این حال، مسئولیت اشتقاقی نیز متصور است. به آن معنا که افزون‌بر کشور مباشر، کشور یا کشورهای دیگری که در قالب یکی از وضعیت‌های حصری احصا شده در تحقق آن عمل متخلفانه نقش ایفا کرده‌اند، بدون مسئولیت نیستند و مسئولیت بین‌المللی دارند (حدادی و ستایش‌پور، ۱۴۰۰: ۲۱ و ۲۲). از این‌رو کاربست همزمان هر دو قسم از مسئولیت، یعنی مسئولیت مستقل و مسئولیت اشتقاقی، متصور است. مضاف بر این، شایسته توجه است که تعهد بین‌المللی دیگر بازیگران جامعه بین‌المللی به عدم همکاری (استنکاف) در نقض شدید حقوق بشر نسبت به مردم بحرین و مسئولیت بین‌المللی ناشی از آن با استناد به مواد ۴۰ و ۴۱ این مجموعه مواد صورت می‌گیرد و مطابق با شرح کمیسیون حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی ناشی از عدم همکاری، خدشه‌ای به دیگر مقررات مسئولیت بین‌المللی وارد نمی‌کند و با آنها قابل جمع است. از این‌رو مسئولیت بحرین، اصل و اساس است، چراکه در حقوق مسئولیت بین‌المللی، اصل بنیادین استقلال در مسئولیت بین‌المللی وجود دارد و آن، اینکه هر دولتی بابت عمل متخلفانه‌ای که آن دولت مرتکب شده است، مسئول دانسته می‌شود

1. yun.ir/nkuir7

<https://b2n.ir/r52886>

۲. برای ملاحظه گزارش این نشست علمی ر.ک:

3. Available at <https://www.amnesty.org/en/location/middle-east-and-north-africa/bahrain/report-bahrain/> & <https://www.hrw.org/world-report/2021/country-chapters/bahrain#>

(عزیزی و کریمی، ۱۳۹۵: ۱۱۱). مسئولیت بین‌المللی آل سعود که در واقع، منتسب به کشور عربستان است، نیز به موجب آنچه مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی خوانده می‌شود، محقق است. مسئولیت دیگر بازیگران از جمله شورای همکاری خلیج فارس، ایالات متحده آمریکا و انگلستان ناشی از نقض تعهد به عدم همکاری در نقض شدید حقوق بنیادین است. بدون تردید، تمام اینها با یکدیگر قابل جمع و به موازات هم هستند.

با توجه به تعدد دول مسئول، مقتضی است به چند و چون تسهیم مسئولیت بین‌المللی در وضعیت بحرین نظر دوخته شود. به موجب آنچه در ماده ۴۷ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی منعکس شده است، تعدد دول مسئول، متصور است. تعدد دول مسئول، موجب زوال^۱ یا کاهش^۲ مسئولیت بین‌المللی دانسته نمی‌شود (ILC Draft Articles, 2001: 124). در واقع، تعدد دول مسئول نه تنها مانع از مسئول دانستن دول متخلف دیگر بابت عمل متخلفانه واحد قلمداد نمی‌شود که حتی از مسئولیت آنها نمی‌کاهد (ILC Draft Articles, 2001: 124, para. 1 & Weir, 1983: 44). در تسهیم مسئولیت، اعم از داخلی و بین‌المللی، منطق حکم می‌کند که هر شخص به اندازه نقشی که ایفا کرده است، مسئولیت داشته باشد و بدون مسئولیت، رها و انهداده نشود. در واقع، همان‌طور که از ماده ۴۷ مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت عمل متخلفانه بین‌المللی قابل برداشت است، هر شخص، در اینجا کشور، بابت سهمی که داشته است، مسئولیت دارد (Joyner, 2017: 794). بدین معنا که چنانچه نقش شخص، کم باشد، مسئولیت کمتری دارد و در صورتی که نقش شخص، بیشتر باشد، منطقیاً مسئولیت بیشتری دارد. این مسئله تا به آنجا پیش می‌رود که حتی در برخی موارد، به زوال مسئولیت مباشر می‌انجامد. در واقع، نقش آن شخص، به نحوی است که خود، وضعیتی را ایجاد می‌کند که در زمره عوامل زایل‌کننده وصف متخلفانه بین‌المللی عمل مباشر محسوب می‌شود. به‌طور مثال، اجبار می‌تواند مثال خوبی برای این قسم باشد. با این توضیح، در خصوص مسئولیت بین‌المللی باید در نظر داشت که کشور کمک‌کننده یا مساعدت دهنده صرفاً بابت نقشی که ایفاء کرده است در مسئولیت بین‌المللی سهم دارد. در واقع، به اقتضای عدالت، تا آنجا که رفتارش، ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی را تسهیل کرده است، مسئولیت بین‌المللی دارد. کمک یا مساعدت با وضعیت هدایت و کنترل کاملاً متمایز است (Fry, 2014: 116-117). در کمک یا مساعدت، کشور کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده، نقش حمایتی دارد و هر اندازه که حمایت کرده باشد، مسئولیت بین‌المللی دارد (Quigley, 1986: 77). از این رو اصل بر آن است که آل خلیفه خسارات وارده را جبران کند

1. Diminish
2. Reduce

و در مواردی که این نقض‌ها ناشی از کمک یا مساعدت آل سعود باشد، کشور عربستان نیز متعهد است که خسارت را جبران کند. این خسارت اعم از خسارت مادی و معنوی دانسته می‌شود. افزون بر این، با توجه به استمرار ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، حتی پیش از جبران خسارت، باید عمل متخلفانه متوقف و تضمین مناسب به عدم تکرار ارائه شود. باید توجه داشت که این امر به‌مثابه جبران مضاعف از قربانیان نقض حقوق بشر در بحرین نیست. در واقع، همان‌طور که جبران خسارت باید به‌طور کامل صورت بگیرد، جبران مضاعف نباید باشد.

به لحاظ منطقی، مسئولیت داشتن و طرح دعوا نزد محاکم، دو امر متمایز از هم دانسته می‌شوند. با اینکه حقوق مسئولیت بین‌المللی و حقوق حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، ارتباط پرننگی با یکدیگر دارند، ولی تحقق مسئولیت بین‌المللی، لزوماً به‌مثابه طرح دعوی نزد محکمه یا محاکم بین‌المللی نیست. طرح دعوا نزد محکمه بین‌المللی، یکی از سازوکارهای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلاف بین‌المللی است و چه‌بسا کشورها از طریق دیگر مبادرت به حل‌وفصل اختلاف خود کنند یا چه‌بسا، اساساً به دلایل حقوقی یا غیرحقوقی دیگر، مبادرت به طرح دعوا نزد محکمه بین‌المللی نکنند. حتی چنانچه سازوکار حل‌وفصل اختلاف بین‌المللی، به هر دلیلی پی‌گرفته نشود، این امر مانع از تحقق مسئولیت بین‌المللی نیست. بدون تردید، تحقق مسئولیت بین‌المللی، به لحاظ منطقی، مقدم بر طرح دعواست یا به تعبیر بهتر، تحقق مسئولیت بین‌المللی باید مقدم بر طرح دعوا نزد محکمه بین‌المللی باشد. به موجب حقوق بین‌الملل موضوعه، کشورها مسئولیت کیفری ندارند و از این‌رو محاکم کیفری برای رسیدگی به عمل دولت، صالح نیستند. البته مقامات عالی‌رتبه را می‌توان محاکمه کرد، ولی شخص حقوقی کشور در حقوق بین‌الملل، مسئولیت کیفری ندارد. شورای امنیت با ارجاع وضعیت به دیوان بین‌المللی کیفری و نیز دادستان با صدور کیفرخواست می‌توانند موجب رسیدگی به جرائم ارتكابی از سوی دول سران آل خلیفه و آل سعود در دیوان شوند.

به‌سبب مصون بودن دولت‌ها از رسیدگی در محاکم داخلی کشور دیگر، دادگاه‌های داخلی، صلاحیت رسیدگی به نقض‌های ارتكابی دولت را ندارند. دیوان بین‌المللی دادگستری تنها محکمه جهانی است که از صلاحیت رسیدگی به دعاوی علیه دولت‌ها برخوردار است. اما رسیدگی دیوان متوقف بر آن است که حتماً دولت علیه دولت طرح دعوا کند و هر دو دولت به نحوی اعلام رضایت کرده باشند. با توجه به اینکه دولت‌ها نسبت به نقض حقوق بشر در بحرین مستقیماً زیان دیده دانسته نمی‌شوند، از این‌رو هیچ دولتی صلاحیت آنکه از این حیث در دیوان طرح دعوا کند، ندارد. اما از آنجا که نقض‌های حقوق بشری صورت‌گرفته در بحرین نقض شدید تعهدات در قبال جامعه بین‌المللی در کل هستند، این مسئله قابل طرح است که آیا دیگر دولت‌ها می‌توانند علیه بحرین و عربستان در دیوان اقامه دعوا کنند؛ نخست باید توجه داشت که صلاحیت دیوان مبتنی بر رضایت طرفین دعواست. در این باره، شایان توجه است که دیوان

بین‌المللی دادگستری، به‌عنوان دادگاه جهانی، در نظریه مشورتی ۲۰۰۴ مربوط به «پیامدهای حقوقی ساختار دیوار در سرزمین اشغالی فلسطینیان»^۱ که به‌اختصار از آن به «ساخت دیوار حائل» یاد می‌شود (ر.ک: حبیب‌زاده، ۱۳۸۴: ۷۱)، اعلام کرد که دولت‌ها متعهد به عدم همکاری در حفظ وضعیت غیرقانونی ساخت دیوار در سرزمین اشغالی فلسطین هستند. در واقع، این تعهد به عدم همکاری، ناشی از آن است که ساخت دیوار، نقض شدید تعهد بین‌المللی است. چون اقدامات آل خلیفه و آل سعود، نقض شدید حقوق بنیادین و عام‌الشمول از جمله منع شکنجه و ناپدیدسازی اجباری است، نه تنها دولت‌های دیگر، بلکه هیچ‌یک از اشخاص حقوقی و حقیقی جامعه بین‌المللی نباید در حفظ این وضعیت همکاری داشته باشد (ICJ Rep., 2004: 192 & 196).

نتیجه‌گیری

در خصوص نقض‌های حقوق بشری صورت‌گرفته نسبت به مردم بحرین، نه تنها حکومت آل خلیفه مسئول است، بلکه حکومت عربستان نیز مسئولیت بین‌المللی دارد. مسئولیت بین‌المللی یکی مانع تحقق مسئولیت بین‌المللی دیگری یا زایل‌کننده یا کاهش‌دهنده آن نیست، زیرا هر یک بر اساسی متفاوت، مسئولیت بین‌المللی دارند. در واقع، تحقق مسئولیت هر یک، بر بنیانی متفاوت استوار است. مسئولیت بین‌المللی بحرین بر پایه مسئولیت بین‌المللی مستقل و مسئولیت بین‌المللی عربستان بر پایه مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی استوار است. در وضعیتی که نیروهای عربستان به‌نحوی به آل خلیفه در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی کمک یا مساعدت کنند، عربستان تا اندازه‌ای که کمک یا مساعدت کرده باشد، مسئول دانسته می‌شود. مسئولیت بین‌المللی عربستان محقق است، ولی در این راه، نباید آن را مسئول کل عمل ارتكابی از سوی بحرین دانست. دیگر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، اشخاص حقوقی و حقیقی متعهد به عدم همکاری در نقض حقوق بشر مردم بحرین هستند. با توجه به پویایی حقوق بین‌الملل و ساختار آنالوگ جامعه بین‌المللی، احراز مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌تواند رفته‌رفته اذهان عمومی را آگاه و بالمآل بستر حل‌وفصل اختلاف بین‌المللی را مهیا می‌کند. همچنین این امر می‌تواند بستر اظهار شرمساری دولت خاطی را فراهم سازد که به لحاظ حقوق مسئولیت بین‌المللی، در موارد زیان معنوی، به موجب ماده ۳۷ طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت عمل متخلفانه بین‌المللی، خود یکی از انواع جبران خسارت دانسته می‌شود.

در این باره، شایان توجه است که حتی در فقد مرجع ذی‌صلاح برای اقامه دعوی حقوقی، پرداختن به بحث مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به‌ویژه بحرین و عربستان، می‌تواند اذهان جامعه

1. "Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory"

جهانی را از نقض‌های ارتكابی حقوق بشر در بحرین آگاه سازد و آگاهی اذهان جامعه جهانی می‌تواند نتایج بسیار خوبی داشته باشد. چه اینکه، به تدریج بستر را برای فیصله قضایی فراهم می‌سازد و مضاف بر آن، می‌تواند موجب حل موضوع از طرق سیاسی شود؛ به‌طور مثال، چه‌بسا شورای امنیت سازمان ملل متحد در مقابل فشار جامعه جهانی ناگزیر از صدور قطعنامه‌های الزام‌آور شود و موجب شرمساری آل سعود و آل خلیفه شود که همین شرمساری می‌تواند موجبات توقف و تضمین عدم تکرار نقض حقوق بشر در بحرین را فراهم سازد و نیز گفتنی است که در موارد مربوط به زیان معنوی، نفس شرمساری، یکی از حالات جبران خسارت معنوی از قربانیان حقوق بشر در بحرین قلمداد می‌شود. افزون بر این، چنانکه پیشتر مطرح شد، می‌توان از ظرفیت مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای تقاضای صدور نظریه مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری استفاده کرد؛ امری که خود با همکاری دیگر کشورها از جمله کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی یا گروه موسوم به گروه ۷۷ قابل تحقق است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۲)، *مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل*، زیر نظر و با دیباچه دکتر سید جمال سیفی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۲. پورمسجدیان، فاطمه (۱۳۹۱)، *قانون اساسی بحرین: مشتمل بر ترجمه قانون اساسی بحرین؛ فهرست فصول؛ متن عربی قانون اساسی*، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشارات قوانین و مقررات ریاست جمهوری.

ب) مقالات

۳. حبیب‌زاده، توکل (۱۳۸۴)، «ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از دیدگاه حقوق بین‌الملل: درآمدی بر رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری»، *نشریه دین و ارتباطات (فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) سابق)*، ش ۴، ص ۱۰۷-۶۹.
۴. حدادی، مهدی؛ ستایش‌پور، محمد (۱۳۹۶)، «کنکاش در لزوم وجود نهاد «مسئولیت اشتقاقی» در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ش ۳، ص ۷۷۱-۷۹۵.

۵. حدادی، مهدی؛ ستایش پور، محمد (۱۴۰۰)، «دامنه اعمال مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی: مطالعه تطبیقی نظام مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی»، *دوفصلنامه حقوق تطبیقی*، شماره پیاپی ۱۵، ص ۱-۲۴.
۶. دیلمی معزی، امین؛ شجاع، مرتضی (۱۳۸۷)، «آمریکا و راهبرد بازنگری در مرزهای سرزمینی در خاورمیانه»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۷، ص ۱۰۹-۹۶.
۷. عزیزی، ستار؛ کریمی، سیامک (۱۳۹۵)، «مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت با تأکید بر قضیه کاربرد مهمات خوشه‌ای در یمن»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ش ۵۱، ص ۱۰۹-۱۳۵.
۸. فرجی، ملیحه (۱۳۹۶)، «وضعیت حقوق بشری زنان بحرین: بررسی عملکرد حاکمان این کشور»، *پژوهشنامه حقوق بشری*، شماره پیاپی ۹، ص ۱۵-۳۶.
۹. قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۸)، «بررسی سلب تابعیت اتباع بحرین در پرتو حقوق بین‌الملل بشر»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ش ۳، ص ۹۴۱-۹۵۹.
۱۰. محمدی، مهرداد (۱۳۹۲)، «ارزیابی نقض حقوق بشر در بحرین براساس هنجارهای حقوق بین‌الملل بشر»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی*، ش ۲۴، ص ۱۶۱-۱۲۵.
۱۱. مهکویی، حجت؛ شعبانی، مریم؛ عباسی، علیرضا (۱۳۹۸)، «تحلیلی بر چالش‌های شکل گرفته برای شیعیان در کشور بحرین»، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، شماره پیاپی ۳۵، ص ۱۳۷-۱۵۰.

ج) سخنرانی در نشست علمی

۱۲. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۰)، بررسی مسئولیت جامعه بین‌المللی در مورد حوادث بحرین از منظر حقوق بشر، دانشگاه مفید، ۲۴ فروردین.

د) خبرگزاری

۱۳. سرویس بین‌المللی خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۲)، «توجیه مضحک عربستان برای لشکرکشی به بحرین»، ۲۰ بهمن. قابل دسترس در: yun.ir/nkuir7

۲. انگلیسی

A) Books

1. Aust, Helmut Philipp (2011), *Complicity and the Law of State Responsibility*, Cambridge University Press.
2. Crawford, James (2013), *State Responsibility: The General Part*, Cambridge University Press.

B) Articles

3. D'Asperamont, Jean (2007), "The Foundations of the International Legal Order", *Finnish Yearbook of International Law*, Vol. 18.
4. Fry, James (2014), "Attribution of Responsibility", in: *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art*, André Nollkaemper and Ilias Plakokefalos (eds.), Cambridge University Press.
5. Joyner, Daniel (2017), "Arms Control", in: André Nollkaemper and Ilias Plakokefalos, *The Practice of Shared Responsibility in International Law*, Cambridge University Press, pp. 781-797.
6. Nollkaemper, André (2011), "Issues of Shared Responsibility before the International Court of Justice", in: *Evolving Principles of International Law: Studies in Honor of Karel C Wellens*, by Eva Rieter and Henry de Waele (eds.), Martinus Nijhoff Publishers.
7. Quigley, John (1986), "Complicity in International Law: A New Direction in the Law of State Responsibility", *British Yearbook of International Law*.
8. Talmon, Stefan (2008), "A Plurality of Responsible Actors: International Responsibility for Acts of the Coalition Provisional Authority in Iraq", in: *The Iraq War and International Law*, Phil Shiner and Andrew Williams (eds.), Hart Publishing.
9. Weir, Tony (1983), "Complex Liabilities", in: André Tunc, *International Encyclopedia of Comparative Law*, vol. xi (Torts), International Association of Legal Science.

C) Cases and Documents

10. Constitution of Bahrain (2002).
11. Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (1984). United Nations, Treaty Series, Vol. 1465.
12. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (1979). United Nations, Treaty Series, Vol. 1249.
13. Convention on the Rights of the Child (1989). United Nations, Treaty Series, vol. 1577.
14. HRC (2007). Implementation of General Assembly Resolution 60/251 of 15 March 2006 entitled "Human Rights Council", Report of the Special Rapporteur on Trafficking in Persons, Especially Women and Children, Sigma Huda, Addendum, Mission to Bahrain, Oman and Qatar, A/HRC/4/23/Add.2.
15. HRC (2014). Post-Sessional Document of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/104/1.
16. HRC (2017). Annual Report & Oral Update to the 34th Sess. of the Human Rights Council.
17. ICJ (2004). Legal Consequences of the Construction of a Wall in the occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion.
18. ILC Report (2011). Work of its Sixty-third Session, A/66/10, UNGAOR 66th Sess., Supp. No. 10. Draft Articles on Responsibility of International

Organizations (ARIO)

19. ILC Yearbook (2001), vol. II, part. 2, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (ARSIWA).
20. International Covenant on Civil and Political Rights (1966). United Nations, Treaty Series, vol. 999 & vol. 1057.
21. International Covenant on Economic, Social & Cultural Rights (1966). United Nations, Treaty Series, vol. 993.
22. Montevideo Convention on the Rights and Duties of States (1933). 26 December, 164 United Nations, Treaty Series, vol. 164.
23. OHCHR (2012). Universal Periodic Review, 21 Monday.
24. UNGA Res. (1948). Universal Declaration of Human Rights, Res. 217 A (III).

D) Analytical Blogpost

25. Henderson, Simson (2011). “Bahrain’s Crisis: Saudi Forces Intervene”, Washington Institute for Near East Policy, March 15.

E) Websites

26. https://www.ilo.org/dyn/natlex/natlex4.detail?p_lang=en&p_isn=68652 (last visited: 2021.07.19).
27. <https://www.amnesty.org/en/location/middle-east-and-north-africa/bahrain/report-bahrain/> (last visited: 2021.08.30).
28. <https://www.hrw.org/world-report/2021/country-chapters/bahrain> (last visited: 2021.08.30).